

میکردند . بعداً بچه جوانی پیدا شد که کتاب کوچکی چاپ کرد . او بچه يك سرهنگ بود و هیچ قرار و آرام نداشت . و تحت تأثیر کتاب «ژاله» شروع به نوشتن کرد . او بعد به يك غول کبیر تبدیل شد بنام احمد شاملو . او يك زبان عظیم است .

از آدمهای جدید تریکی هوشنگ گلشیری است که من به او بسیار اعتقاد دارم . او استعداد بی نظیری است ولی من بعنوان يك خواننده آثار وی ، يك اشکال به او دارم که خودش را گرفتار فرم کرده است .

محمود دولت آبادی چیز می نویسد ، مفصل هم می نویسد ولی کتابهایش نفس آدم را می بُرد . يك نوع ناتو رایسم . چقدر باید راجع به توصیف يك درخت نوشت؟! بنظر من او باز یگر خوبی است ، بهتر است که در این زمینه ادامه دهد . به اعتقاد من در شرایط فعلی هر چقدر مختصر بنویسی بهتر است . حتی اگر بتوانی ایده کلی را

ت . در واقع يك ارمنی بنام « چخوف را بمن شناساند . ثب بنام « سرود » که بلافاصله را دستگیر کرده و کشتند . میگفت : « تا چخوف را نخوانی ، برا نمی فهمی » . بعد از آن بود می را در داستایوفسکی کشف فت طرف گورکی و اینها نرفتم . من در ساده بودن انسانهاست قهرمانان ، بازو کلفت می کنند که ن را تغییر بدهند آنقدرها مرا لبته باید دنیا را تغییر داد . مثال چخوف تغییر می دهند یا

نظر شما در کار کافکا اهمیت

رهای کافکا حیرت آور است . را بخوبی نشان میدهد . به کنیم متوجه مشویم که این آدم

و او میشود . از طرفی بی پدر همه را در آورده بی فهمید ولی سعی میکرد در مجموع کلام . فلان نمی فهمید . آنها بیسوا م-ح : ولی بهر حال یک باسواد در دست سانسور وجود داشتند که میکردند مثلاً در زمینه چنین افراد باسوادی و ساعدی : بله ، ولی مسئله نوگانگی در آنها طرف روشن فکر بودند از گاهی می خواستند چیزی نمی خواستند . بزرگتر من می خواهم پاهایش که در دیکتاتورسی سیاست نوشت . ما از این آدمها ند